

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ می ۲۰۱۸

## ننگرهار هم خبر ساز شد!

۳

چهار شنبه- ۲۶ ثور ۱۳۹۷ - کابل:

۳- وظایف گلاب منگل و ارتباط آن با استعفایش:

وقتی "گلاب منگل" به حیث والی ولایت ننگرهار که یکی از ولایات درجه یک در تشکیلات اداری افغانستان از دهه ها بدین سو بوده، مقرر شد، در خطوط کلی و اساسی دارای ۳ وظیفه بود: الف: گسترش داعش، ب: تحدید فعالیت های طالب و در صورت امکان جذب آن به داعش، پ: ظاهر قدیر را بعد از تجرید به قتل رسانیدن قبل از این که به تشریح اهداف معینه بپردازم لازم است بنگارم، اهداف متذکره خواستی بود که مقامات اداره مستعمراتی از "گلاب منگل" انجام آن را توقع داشتند، در حالی که "گلاب منگل" با در نظر داشت بی اعتباری چوکی های دولتی و تنزل از مقام وزارت به ولایت، نزد خود برنامه جداگانه ای داشت، که در ذیل ۳ وظیفه بدان خواهم پرداخت.

**الف:** اگر از حق نگذریم و همه چیز را به ضد "گلاب منگل" ردیف نسازیم، باید صمیمانه اعتراف نمائیم که "گلاب منگل" در انجام این بخش از وظیفه اش تا آنجائی که برایش مقدور بود، کاملاً موفقانه عمل نمود. زیرا وی قادر شد با استفاده از تجارب حزبی سابقش و درسهائی که در نهادهای استخباراتی فرا گرفته بود، از تعدادی افراد پراکنده، بی نظم و منفور نزد مردم، پایه و اساس تشکیلات داعش را در ولایت ننگرهار گذاشته، به کمک طیارات امریکائی و بمبارانهای پیمیش، مناطق زیادی را به مانند "توره بوره" از زیر کنترل طالب در آورده، در اختیار داعش قرار دهد. ب- به ارتباط وظیفه دوم یعنی تحدید فعالیت طالب، با آن که دستاوردهایش به اندازه وظیفه اول نبود و نیست، مگر در کل، توانسته تا حد زیادی ساحه کار بر طالب را در ولایت ننگرهار محدود بسازد، مگر در قسمت دوم این وظیفه که جذب طالب به طرف داعش باشد، مطلقاً ناکام مانده نه تنها قادر نشد طالب را به تشکیلات داعش پیوند دهد بلکه با اعمالی که انجام داد، مناسبات آنها را چنان خصمانه ساخت که در مقطع کنونی هیچ دورنمای نزدیکی بین آنها وجود ندارد.

**پ:** و اما در قسمت سوم یعنی تجرید ظاهر قدیر و نابودی وی، باید نوشت که نه تنها در انجام این وظیفه ناکام مطلق بود، بلکه با هر گامی که برداشت، زمینه گسترش نفوذ "ظاهر قدیر" را بین جنگ سالاران و سران اقوام بیشتر

نموده، این امکان را به "ظاهر قدیر" فراهم نمود تا عده ای از مردم و توده های ناآگاه نیز که از جانبی خود را تحت فشار داعش می دیدند و از جانب دیگر دولت دست نشانده را بی علاقه و ناتوان در حفاظت از خود احساس می نمودند، وی را یگانه حامی خود احساس نموده، جهت دفع مصایب داعش به وی مراجعه نمایند. مراجعه ای که "ظاهر قدیر" از آن حد اکثر سود را برده با بریدن سر چند تن داعشی، مراجعه کنندگان را مطمئن ساخت که وی در کنار شان می باشد. اما این که در تمام این مدت شخصاً مشغول چه کاری بود تا جایی که از گزارشات رسمی و اخبار سرچوک بر می آید "گلاب منگل" در همسویی با رئیس و کارمندان گمرک ولایت ننگرهار باندی را سازماندهی نمود که گویند ظرف این چند سال بیش از ۱۰۰ میلیون دالر سود خالص تنها به جیب جناب والی سرازیر ساخته است.

قرار اخبار سرچوک، حمله بر مستوفیت ننگرهار، کشتن کارمندان و آتش زدن تمام اسناد آن مستوفیت هم کاری بود که به امر "والی صاحب"، برای فرار از بازخواست احتمالی صورت گرفته است. امری که "غنی احمدزی" را نزد بادرانش مفتضح ساخته، در نتیجه باوی درشت گوئی نموده به مانند همیشه جلو روی و در حضور تمام زیر دستانش از وی خواسته است که "استعفاء" دهد. وی هم که چنین پیشنهادی را از خدا می خواست استعفاء می دهد.

در این که آینده "گلاب منگل" به کجا خواهد کشید و درشت گوئی با وی چه تأثیری بر مناسبات "حنیف اتمر" و "غنی احمدزی" خواهد گذاشت، بر می گردد به این که "غنی احمد زی" چه برنامه ای برای آینده اش دارد. هرگاه تصمیم داشته باشد تا باز هم خود را کاندید نماید و یا از طریق تبنانی با وکلاء، دوره کارش را تمدید نماید، یقیناً دست به دامان "گلاب منگل" دراز نموده، نه تنها وی را در انتخابات پارلمانی پیش رو حمایت خواهد نمود و حتا چوکی نان و آب دار دیگری را برایش پیشنهاد خواهد داد بلکه در صورت لزوم از بردن ننگ افغانی و اعزام "روغنی" نزد خانواده اش نیز دریغ نخواهد ورزید. هرگاه قصد دوام کار و کاندید مجدد را نداشته باشد، احتمالاً دوسیه های "گلاب منگل" را به خرنوالی خواهد فرستاد، تا:

**دیده شود چه می شود!!**